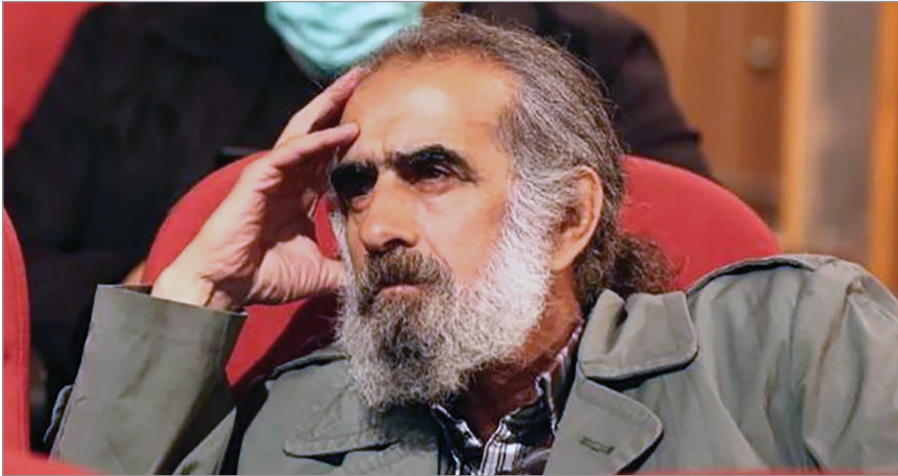


نویسنده و کارگردان تئاتر مطرح کرد:

چرا به داستان‌ها و شخصیت‌های کهن ایرانی بی‌توجهی می‌شود؟



زحماتی که برای رساندن نمایشنامه‌هایشان به جشنواره کشیده‌اند باید بگویم که برخی از دوستان مسیر را اشتباهی رفته بودند. در این دوره ۱۷۵ متن را خواندم ولی به نظر می‌رسد قاعده نمایش‌های سنتی ایرانی در برخی از آثار فراموش شده است.

این‌درام‌نویس توضیح داد: در نمایش سنتی ایرانی، خندان و سرگرم کردن مردم اولین قاعده است و نباید از یاد برود. در کار سنتی مردم یک لحظه از روزمرگی‌های خود خارج می‌شوند، سرگرم می‌شوند و می‌خندند. کمتر کاری را می‌خواند که به این نکته توجه داشته باشد. این که یک سیاه یا حاجی وارد داستان کنیم آن را تبدیل به نمایش سنتی ایرانی نمی‌کند. وی با انتقاد از وضعیت درام‌نویسی کشور گفت: به طور کلی برای ادبیات نمایشی در سال‌های اخیر اتفاق خوبی نیفتاده است. به نظر می‌رسد نویسندگان اصول را نادیده گرفته و پایه‌های درام‌نویسی ضعیف شده است. حنیفی برگزاروی ورکشاپ و دوره‌های کوتاه مدت را یکی از ضروریات درام‌نویسی در کل کشور دانسته و افزود: باید

ورکشاپ‌هایی در این زمینه برای نویسندگان طراحی شود. منظور درس دادن و آموزش نیست. برای بحث و تحلیل و شناسایی نقاط قوت و ضعف لازم است که با اساتید فن جلسات متعدد برگزار شود تا ایرادات رفع شوند. من هم از اساتید دیگر یاد گرفتم.ام. این مدرس تئاتر با اشاره به قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف، به تاثیر و غنایی که این تنوع می‌تواند در آثار نمایشی ایجاد کند پرداخته و گفت: ایران کشوری با قومیت‌های فراوان است که در آن فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف به وجود آمده‌اند. در گردهمایی‌ها، کارگاه‌ها و مراودات فرهنگی تاثیر مثبتی بر رشد ادبیات و هنر می‌گذارند ولی این مسئله که تا کنون چنین اتفاقی نیفتاده است باید بررسی شود. وی ضعف در نمایشنامه‌های رسیده به جشنواره را تنها در نویسندگان جوان ندانسته و افزود: این درد در آثاری از بزرگان این هنر هم دیده می‌ششد. گرچه به اعتقاد من آثار نویسندگان صاحب‌نام نباید در بخش مسابقه شرکت می‌کرد ولی به نظر می‌رسد شتاب برای فرستادن به

وضعیت «ردیف‌های موسیقی ایرانی»

۱۴ سال پس از ثبت جهانی

موسیقی ایرانی» ثبت جهانی شد و جز اینکه یک میراث ناملموس شمرده شود،

میراث بشری هم محسوب می‌شود که کشورهای عضو کنوانسیون یونسکو نسبت به حفظ آن احساس مسئولیت می‌کنند.

وجدانی درباره تاریخچه و اهمیت نام این پرورنده گفت: موسیقی همیشه بر اساس مفهوم مورد بحث بوده است و یک نوع موسیقی ایرانی داریم که در یکصد سال گذشته با نام‌های مختلفی، از جمله موسیقی سنتی، اصیل، دستگاهی، ردیفی و ردیف دستگاهی از آن یاد شده است که در نهایت همه آن‌ها یکی است. نخستین‌بار در زمان قاجار، توسط خاندانی که اهل موسیقی، آن‌ها را «خاندان هنر» می‌گفتند، یعنی علی‌اکبرخان فراهانی و دو فرزند او میرزا حسین قلی (پدر علی اکبرخان شهنزاری) و میرزا عبدالله (پدر احمد عبادی)، نغمه‌هایی از سراسر کشور جمع آوری شد. اگرچه تمام موسیقی ایرانی را دربرنمی‌گرفت، اما آنچه جمع‌آوری شد در قالب هفت دستگاه و پنج آواز و تعداد بی‌شماری گوشه تدوین شد. از آن تاریخ به بعد توسط شاگردان این خاندان، ردیف‌های موسیقی زیادی پیدا شد، با این اصل که اساس و ساختار همه آن‌ها یکی است. این پژوهشگر اظهار کرد: موسیقی سنتی محدودیت نداشته و ندارد و بر اساس امکانات و ذوق مردم به ردیف‌های موسیقی اضافه شده است. بر همین اساس نام این پرورنده «ردیف‌های موسیقی ایرانی» است، نه ردیف موسیقی، چون بحث سر یک ردیف نبوده است.

وجدانی در پاسخ به این پرسش که بعد از ثبت جهانی «ردیف‌های موسیقی ایرانی» چه اتفاقاتی برای آن در داخل و خارج از کشور رخ داده است، گفت: درباره تاثیر این پرورنده و جایگاه آن در دنیا واقعا بی‌مخبر هستیم و نمی‌دانیم چه تاثیری روی موسیقی سایر کشورها گذاشته است، اما وقتی مدعی هستیم که

موسیقی سنتی ایرانی همانند آداب و سنت‌های این سرزمین جزئی از میراث ناملموس محسوب می‌شود. این موسیقی اصیل، که معرف فرهنگ ایران است در پرونده‌ای به نام «ردیف‌های موسیقی ایرانی» به عنوان نخستین پرورنده مستقل ایران، هشتم مهرماه سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد تا به گفته یک پژوهشگر موسیقی، این هنر سنتی و ملی ایرانی به دنیا معرفی شود.

بهروز وجدانی و پژوهشگر و مترجم حوزه مردم‌شناسی و موسیقی – که در تهیه و تدوین پرورنده «ردیف‌های موسیقی ایرانی» نقش داشته است، درباره اهمیت و وضعیت ثبت این اثر که حدود ۱۴ سال پیش به فهرست میراث ناملموس یونسکو راه پیدا کرد، به ایسا گفت: میراث فرهنگی ناملموس یا غیرمادی، که قابل لمس نیستند، از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و مدام توسط جوامع و گروه‌ها در پاسخ به محیط، طبیعت و تاریخ، دوباره خلق می‌شوند و حس هویت و استمرار را به ارمان می‌آورند و به این ترتیب احترام به تنوع فرهنگی و خلاقیت بشری را ترویج می‌دهند. «ردیف‌های موسیقی ایرانی» نیز نخستین پرورنده میراث ناملموس ایران است که در سال ۲۰۰۹ در فهرست میراث ناملموس یونسکو ثبت شد. البته همزمان با آن «پوروز» هم ثبت جهانی شد، با این تفاوت که پرورنده نوروز مشترک با هفت کشور دیگر بود.

او ادامه داد: در آن زمان، پرورنده «ردیف‌های موسیقی ایرانی» با مدیریت و مسئولیت خانه موسیقی تهیه و به سازمان میراث فرهنگی برای ثبت در یونسکو ارجاع شد؛ چراکه این کشورها هستند که عضو کنوانسیون یونسکو محسوب می‌شوند و نه افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها. طبق قانون هم متولی ثبت میراث ناملموس در ایران سازمان میراث فرهنگی (وزارتخانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی) است. بنابراین با تصمیم مدیریت وقت خانه موسیقی این پرورنده با نظیم و نوشتنار آقای «هومان اسعدی» تدوین شد و من هم بر مصاحبه‌هایی که با ردیف‌دان و ردیف‌خوان‌های مطرح کشور برای تهیه این پرورنده انجام شد، نظارت داشتم.

این پژوهشگر بیان کرد: خوشبختانه پس از ارسال پرورنده به یونسکو، «ردیف‌های

یکشنبه | ۹ مهر ۱۴۰۲ | شماره ۶۲۴۴

گزارش

در حالی که ایران با دیرینه‌ای شاخص و منحصر به فرد، از جهات داستانی و روایی در جهان زیانزد و یکه تاز است، اما می‌بینم در آثار هنری به ویژه سینمایی و تلویزیونی، کمتر به آن پرداخته می‌شود. حتی کشورهایی در دنیا وجود دارد که داستان‌های غیر واقعی تاریخی برای خود می‌نگارند و آنها را تبدیل به فیلم و سریال و دیگر محصولات فرهنگی می‌کنند تا تأثیر گذار باشند.

شاهنامه فردوسی که ۸ مهر ماه روز بزرگداشت این شاعر بزرگ ایرانی است، از داستان‌های پربار و تاب ایران موج می‌زند اما با این وجود می‌بینم که نسبت به آن بی‌توجهی و کم توجهی وجود دارد.چراپی این مسئله باید روشن شود و پاسخ به آن شاید بتواند گره‌های کار در زمینه داستان‌ها و شخصیت‌های کهن تاریخ و تمدن ایران را باز کند.

این تاریخ و تمدن کهن با داستان‌های جذاب و تأثیر گذار خود که هم پیش از اسلام و هم پس از اسلام داری محتوا است، می‌تواند در قالب‌های خود قرار گیرد و مخاطب را تحت تاثیر بگذارد.قطعا آشنایی مردم به ویژه جوانان با آثار کهن ایران و شخصیت‌های داستانی‌ها آن مانعبر سر راه بیراه رفتن جوان امروزی خواهد شد که البته در این زمینه بی‌توجهی و غفلت زیادی وجود دارد.داستان‌های کهن ایران دارای جذابیت‌های زیاد تصویری و شنیداری است که حتی می‌تواند با ساتاری محکم در ساخت آن‌همخاطب و افکار عمومی دیگر کشورها را نیز تحت تأثیر گذاشت.

در همین زمینه علیرضا حنیفی نویسنده و کارگردان تئاتر و عضو هیات داوران بخش نمایشنامه‌نویسی بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی نمایش آیینی و سنتی معتقد است شخصیت‌هایی بیگانه جایگزین اساطیر کهن ایرانی شده‌اند و توجه به شخصیت‌هایی که متعلق به این سرزمین نیستند همچون گیاهی بیگانه است که در خاک که هم برای آن نیست گذاشته شود، هم خاک را آلوده می‌کند و هم بار نمی‌دهد. به گزارش فارس، علیرضا حنیفی نویسنده و کارگردان تئاتر درباره آثار رسیده به بخش نمایشنامه‌نویسی جشنواره بین‌المللی نمایش آیینی و سنتی گفت: با احترام به قلم همه شرکت‌کنندگان و

فرهنگ و هنر

معرفی کتاب

کتاب «دروغ زن، زندگی، آزادی» با استقبال مخاطبان به چاپ دوم رسید

کتاب «دروغ زن، زندگی آزادی» که به مهم‌ترین دروغ‌های ضدانقلاب و اپوزیسیون در ماجرای اغتشاشات سال ۱۴۰۱ می‌پردازد از سوی انتشارات خیرگزاری فارس به چاپ دوم رسید. دشمن برای سال ۱۴۰۱ یک عملیات همه جانبه علیه ایران را برنامه‌ریزی کرده بود و قرار بود جنگ ترکیبی همراه، به بهانه مشکلات اقتصادی و با محوریت دانشگاه‌ها کلید بخورد. دشمن مترصد اجزایی کردن برنامه خود بود، اما فوت مهسا امینی در شهروماه این فرصت را در اختیار ضد انقلاب داد تا برنامه خود را جلو ببرد.از گذشت این دختر جوان که جزو قوم کرد و از اقلیت‌های مذهبی بود، تمام مختصات لازم برای شروع یک ناآرامی را در اختیار دشمن قرار می‌داد.

کتاب «دروغ زن، زندگی، آزادی» در واقع مروری است بر دروغ‌ها، ادعاها و کشته‌سازی‌هایی که رسانه‌های معاند در اغتشاشات ۱۴۰۱ برای از بین بردن اعتماد عمومی، آرامش مردم و در یک کلام ضربه زدن به ایران متحد به کار گرفتند. در فصل اول به کشته‌سازی‌های ضدانقلاب و جریان معاند پرداخته شده،دروغ‌هایی که افکار عمومی را نشانه رفته بود. از آخرین روزه‌ای تابستان سال ۱۴۰۱ هر فردی که در اقمسی نقاط کشور جان می‌باخت را کشته اغتشاشات می‌نامیدند.

برای آنها دختران نوجوان از اهمیت بالاتری برخوردار بود، چرا که با شعار ساختگی زن، زندگی، آزادی مطابقت بیشتری داشت. در این میان افرادی که به دلایلی مانند تصادف و نزاع جان باخته بودند و یا دختران و پسرانی که خودکشی کرده بودند را هم کشته شده توسط پلیس و مأموران جا زدند. حتی فراتر از آن افرادی که زنده بودند را هم کشته نامیدند. حتی برخی دیگر از افرادی که توسط خودشان (تروریستها و اراذل و اوباش) کشته شده هم به گردن پلیس و نظام جمهوری اسلامی انداختند. جریان برانداز، همزمان با انتشار شایعات کشته‌سازی، دروغ‌های گسترده و هماهنگی را هم برای تحریک افکار عمومی، نامیدی مردم، فاصله انداختن بین مردم و مسئولان را منتشر کردند. این جریان متوهم که نظام جمهوری اسلامی را پایان یافته می‌دید، از دروغ بیماری رهبر معظم انقلاب تا فرار مسئولان نظام جمهوری اسلامی را هم بازنشر داد.

انتشار تصاویر و فیلم‌های قدیمی و یا انتساب همزمان یک فیلم ثابت به چند شهر و یا دروغ‌هایی بود که برای گسترده نشان دادن اعتراضات به کار گرفته میشد تا به مثابه آتش تهیه برای مباران رسانه‌ای خود به کار برند. اخبار دروغین بازداشت‌های گسترده چهره‌ها، دانشجویان و خبرنگاران و شایعات شکنجه زندانیان هم در دستور کار رسانه‌های معاند قرار داشت.

در کنار نیروهای خارجی و داخلی که دشمن به آن‌ها «ماده‌باش» داده بود برای تحریک افکار عمومی و افزایش همه‌ها نیاز به سلبریتی‌ها داشت تا به عنوان آتش‌بیار معرکه وارد صحنه شوند.

بخشی از سلبریتی‌ها همان‌هایی بودند که از قبل در خارج از کشور حضور داشتند و ارادت خود به اپوزیسیون و سلطنت‌طلبان را اثبات کرده بودند،چهره‌هایی مانند گلشیفته فراهانی، مهناز افشار، محمد حسینی.

عده دیگری از این سلبریتی‌ها، باوجود همکاری با ضدانقلاب و شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان معاند در ایران حضور داشتند و از اعتماد مردم سوء استفاده کردند و امروز که پرده‌ها کنار رفته مشاهده می‌شود در آغوش آن‌ها قرار دارند. افرادی مانند حمید فرخ‌نژاد یا احسان گرمی و بزرواررجنده که یک روز در زمان حادثه متروپل بزرگاری مراسم سلام فرادنده را تقبیح می‌کردند، اما چندی بعد مشخص شد در همان زمان، خودشان در عروسی خواننده مستهجن‌خوان لس‌آنجلسی حضور پیدا کرده‌اند.

بخش دیگر، سلبریتی‌هایی بودند که تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا رضایت غربی‌ها را جلب کنند. آن‌ها در این مسیر با ضربه زدن به مردم و نظام جمهوری اسلامی سعی کردند تا مقدمات اقامت خود در اروپا و آمریکا را فراهم کنند. محمد عمرانی بازیگر سریال مختار را می‌توان خود را ادامه دادند.

در این میان عده زیادی از چهره‌ها هم بودند که تحت فشار رسانه‌ای ضدانقلاب مجبور به واکنش در شبکه‌های اجتماعی شدند حتی برخی به صورت جو زده از ادامه فعالیت در ایران، خداحافظی کردند، هرچند که چند ماه بعد با آرام شدن اوضاع، چراغ خاموش فعالیت خود را ادامه دادند. این کتاب به همت حمیدرضا تاجی و بر مبنای تولیدات تحقیقی گزارشگران و خبرنگاران فارس در ۳ فصل و ۲۳۸ صفحه گردآوری شده و در حال حاضر چاپ دوم این اثر در بازار کتاب موجود شد.

جشنواره به کارها آسیب‌زده است. من به عنوان یک نویسنده باید اول به ادبیات کشورم فکر کنم. ادبیات عنصر شایسته ذهنی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌هاست. آیا شکسبکی بپای جشنواره می‌نوشت؟ این درد که نویسنده درآمدی ندارد و به این فکر کند که شاید از جشنواره‌ها چیزی گیرش نیاد. وی با اشاره به تجربیات و پژوهش‌هایی که در زمینه تئاتر کردستان انجام داده به نقش تعاملات فرهنگی و تأثیری که بر یکدیگر می‌گذارند پرداخته و برگزاری بخش‌های جشنواره در استان‌های مختلف را با این رویکرد اتفاقی درست ارزیابی کرد. این کارگردان تئاتر گفت: از این که چند استان درگیر کار هنری می‌شوند و مسئولان می‌فهمند چیزی به نام تئاتر و موسیقی هم وجود دارد اتفاق خوبی است. زمانی که نمایش قطار جنوب را در سنجج اجرا می‌کردم یک نفر از یک ارگان پرسیده بود که آیا بازیگر خانم همسر من است یا نه. و به همین بهانه نیز کار را تعطیل کردند. این یک واقعیت است که شناخت مسئولان از هنر در استان‌های دیگر با مرکز تفاوت دارد.

علیرضا حنیفی با بیان این مطلب که در نگاه کلی از متن‌ها راضی نبودم تصریح کرد: من ایرانی که قصه‌ها و داستان‌های قدیمی را دیده‌ام و می‌دانم چرا باید سیاه نمایش‌ام نقش لیر را بازی کند؟ یادمان رفته است که سیاه با مردم زندگی می‌کند. درد مردم را می‌فهمد. درد سیاه درد جهانی نیست، درد مردم عادی است و درد جهانی در کنارش قرار می‌گیرد.

وی در بخش دیگر از صحبت‌هایش به نادیده گرفتن داستان‌های کهن ایرانی و جایگزینی شخصیت‌های بیگانه به جای آنها اشاره کرده و گفت: در داستان سیاوش کلی درس اخلاقی وجود دارد اما اتفاق نیفتاده که به این جنبه داستان‌های شاهنامه توجه شود. اصالت را کنار گذاشته‌ایم و عنصر بیگانه را به جایش نشانده‌ایم. به عنوان یک کشاورز زاده به شما می‌گویم هر خاکی یک نوع گیاه می‌خواهد. توجه به شخصیت‌هایی که متعلق به این سرزمین نیستند همچون گیاهی بیگانه است که در خاکی برای آن نیست گذاشته شود. هم خاک را آلوده می‌کند و هم بار نمی‌دهد.

طلایه‌دار چندهزار سال فرهنگ، تمدن و ادبیات و هنر هستیم، طبیعی است که در هر دوره این فرهنگ و هنر را به معرفی بگذاریم و اگر پرورنده «ردیف‌های موسیقی ایرانی» را به صورت جهانی ثبت نمی‌کردیم، موسیقی سنتی و ملی ایرانی را نمی‌توانستیم به داخل و خارج از ایران معرفی کنیم. بنابراین ردیف‌های موسیقی ایرانی بازتابی از کل موسیقی ایران است.

او یادآور شد: در این پرورنده باید با عکس، فیلم و اخذ رضایت‌نامه‌ها ثابت می‌کردیم که این عنصر لیاقت این را دارد که به عنوان یک میراث فرهنگی ناملموس در سطح جهان بدرخشد.

وجدانی که مسؤؤل تهیه پرورنده جهانی «موسیقی بخشی‌های خراسان» و «مهارت‌های سنتی ساختن و نااختن دوتار» بوده است، در ادامه گفت: در بعد ملی طبق مفاد کنوانسیون ۲۰۰۳ یونسکو، اگرچه کشورها عضو آن هستند، اما وظیفه پاسداری و حفاظت از یک اثر ناملموس بر عهده مردم است. بر این اساس نقش دولت‌ها این است که میراث خود را آموزش دهند و به مردم منتقل کنند، چون مردم انتقال‌دهنده اصلی این میراث هستند. بنابراین معرفی، آموزش و پاسداری از این اثر مانند هر میراث ناملموس دیگری بر عهده مردم است، گرچه دولت‌ها هم باید بسترساز باشند و باید امکانات و تکنولوژی را در اختیار مردم قرار دهند.

این پژوهشگر و مردم‌شناس درباره این‌که آیا اقدامی برای حفظ «ردیف‌های موسیقی ایرانی» بعد از ثبت جهانی چه از سوی مردم و چه از سوی دولت انجام شده است، اظهار کرد: ما مردمی هستیم که به داشته‌هایمان اعتنایی نداریم، اما وقتی میراثی از کشورمان در نهاد جهانی معتبر مانند یونسکو ثبت می‌شود تازه متوجه اهمیت آن می‌شویم و مطلع هستیم که هر اثری از ایران جهانی شده از طرف مردم مورد احترام قرار گرفته است و نهاد متولی آن‌ها نیز بعد از ثبت جهانی، خود را به حفاظت و پاسداری اثر ملزم می‌داند. ارزش و احترام ردیف‌های موسیقی ایرانی نیز بعد از ثبت شدن دوچندان شده است و نمی‌توان منکر شد که ثبت یک پدیده ارزشمند است و در حال حاضر ردیف‌دان‌ها و ردیف‌خوان‌ها در کشور اهمیت و جایگاه ویژه‌تری دارند.

کارگردان نمایش خنابندان:

تولید نمایش های آیینی مستلزم پژوهش است

اجرا می‌شدد. از کارهایی که در این مراسم انجام می‌شده است، می‌توان به هدیه دادن و بردن حنا به خانه های پدري عروس و داماد اشاره کرد.
رسومی که در رضا فقیهی کارگردان نمایش «خنابندان» که از تهران در بخش «معرکه‌ها، آیین‌ها و بازی‌های نمایشی» به میزبانی استان چهارمحال و بختیاری در جشنواره نمایش های آیینی و سنتنی حضور دارد، درباره نقش پژوهش در نمایش آیینی به خبرنگار مهر گفت: تولید نمایش های آیینی مستلزم تحقیق و پژوهش دقیق است. پژوهش قبل از نگارش متن آیینی و سنتی الزامی است از این رو نوشتن متن درست و فاخر مستلزم پژوهش و تحقیق درست است.

این کارگردان برگزاری آیین‌های اقوام را در دنیای امروز بسیار ضروری دانست و گفت: شاید اگر همین جشنواره‌ها نباشد این رسم ها و آیین های مفید رو به فراموشی برود. امیدوارم در سال های آینده برای برگزاری جشنواره شرایطی فراهم شود که مخاطبان بیشتری این نمایش ها را ببینند چرا که اجرای آیین آثار می تواند تاثیر زیادی بر مخاطب گذاشته و رسوم فراموش شده را دوباره زنده می کند.

بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش‌های آیینی و سنتی با دبیری احمد جولایی، از یکم تا یازدهم مهر در بخش‌های «رادیو تئاتر» و «مایشگاه هنرهای نمایشی» به میزبانی تهران، «صحنه‌های» (ویژه‌آزاد) و «بین‌الملل» به میزبانی استان گلستان (گرگان و کردکوی)، «نشیه‌خوانی» به میزبانی استان مرکزی (تقرش)، «مایش‌های فردی، نقالی، روایت‌های ملی و کار آواها» و «معرکه‌ها، آیین‌ها و بازی‌های نمایشی» به میزبانی استان چهارمحال و بختیاری (شهرکرد)،

به مسینارهای پژوهشی» و «همایشنامه‌نویسی» به میزبانی آذربایجان شرقی (تبریز) در حال برگزاری است و خراسان شمالی در ۲ بخش «عروسکی» و «دانشجویی صحنه» این رویداد را با ۲۱ اثر نمایشی از هفتم تا دهم ماه جاری برگزار می‌کند.